

غلاطیان ۳: ۲۸

آرون ال. گاریوت

بیانیه‌ی پولس در غلاطیان ۳: ۲۸ برای تأیید نظرات نادرست مختلف اشاره شده است، اما معمولاً به یکی از این دو روش اشتباه تفسیر می‌شود. اولین مورد این است که نوشته‌ی پولس را اشتباه بخوانیم، گویی او می‌گوید تمام تمایزات انسانی از بین رفته است. دوم این است که اهمیت آنچه پولس می‌گوید را درک نکنیم.

اول، برخی از مردم به غلاطیان ۳: ۲۸ متوسل می‌شوند تا از برابری بشر، حمایت از تراجنسیتی، یکسان‌سازی فرهنگی همه‌جانبه، بی‌تفاوتی قومیتی، جوامع بدون اختلاف طبقاتی و غیره دفاع کنند. اما این ایده‌ها ارتباطی با نظر پولس ندارد. برابری که او از آن حمایت می‌کند در رابطه با نجات است. این محو کردن تمام تمایزات انسانی نیست. در واقع، تمایزات خاصی در خلقت ایجاد شد - مانند تمایز بین روز سبت و روزهای عادی (پیدایش ۲: ۲-۳؛ خروج ۱۶: ۲۲-۲۶؛ مرقس ۷: ۱۹)، بین کار و استراحت (پیدایش ۲: ۱۵؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۰؛ یعقوب ۵: ۴)، و در نقش‌های جنسیتی (پیدایش ۲: ۱۸؛ اول قرنتیان ۱۱: ۳-۱۶). این واقعیت، اعتبار کلی سه مقوله‌ای را که پولس ذکر می‌کند نشان می‌دهد: نقش‌های جنسیتی (زن-مرد)، تمایزات اجتماعی-شغلی (جامعه‌ی بدون برده)، و قومیت (یهودی-یونانی).

مرد-زن. کار مسیح نقش‌های جنسیتی را لغو نمی‌کند. برای مثال، هیچ تناقضی بین غلاطیان ۳: ۲۸ و افسسیان ۵: ۲۲ وجود ندارد، زیرا یکی مربوط به نجات است در حالی که دیگری به نقش‌های جنسیتی در خانه مربوط می‌شود. برخی از تمایزات نیز در کلیسا پابرجا هستند، مانند تمایزی که تنها به مردان واجد شرایط اجازه می‌دهد تا وظایف کلیسایی را انجام دهند (اول تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۵).

برده - آزاد. درخواست پولس از فیلیمون تمایزات اجتماعی و کارگری را در نظر می‌گیرد، باین حال او انجیل را معرفی می‌کند تا این تفاوت‌ها را به هم ارتباط دهد، و به فیلیمون یادآوری می‌کند که او و اونسیموس در یک رابطه‌ی بالادستی و زیردستی بودند، اما آن‌ها قبل از هر چیز برادرانی بودند که در یک نجات‌دهنده متحد شده بودند (همچنین رجوع کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳).

یهودی-یونانی. قومیت و فرهنگ، گرچه به خودی خود نهادی که از ابتدا ایجاد شده باشد، نیستند، اما با مشیت خدا نظم یافته‌اند (اعمال رسولان ۱۷: ۲۶ را ببینید). هیچ یک از ما قومیت خود یا فرهنگی را که در آن متولد شده‌ایم انتخاب نکردیم، باین حال نجات مسیح حکمت مشیت الهی را خنثی نمی‌کند.

ما بر اساس زمینه و قیاس کتاب مقدس می‌دانیم حرف پولس این نیست که همه تمایزات بی‌اثر می‌شوند. باین وجود، یک خطای برابر و متضاد وجود دارد، یعنی برجسته کردن تمایزات جسمانی به قیمت وحدت مسیحی. در غلاطیان، پولس کمتر به حفظ تفاوت‌ها و بیشتر به از بین بردن اختلاف‌هایی که در آنچه باعث اختلال در آنچه مسیح انجام داده است، می‌پردازد (رجوع کنید به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ کولسیان ۳: ۱۱). اینجاست که تاریخچه‌ی نجات مهم است.

قبل از «رسیدن زمان به کمال» (غلاطیان ۴: ۴)، دیواری بین یهودیان و غیریهودیان وجود داشت (افسیان ۲: ۱۴). اسرائیل «بالتر از همه‌ی قوم‌ها» (تثنیه ۱۰: ۱۵) به عنوان «خزانه‌ی خاص» انتخاب شد (۶: ۷) باین حال، امت‌ها واگذاشته شدند تا «در طرق خود رفتار کنند» (اعمال رسولان ۱۴: ۱۶). مسیح ملکوتی را برپا کرد که نبوت‌هایی را که خدا امت‌ها را به میراث خود تبدیل خواهد کرد، محقق کند (مزمور ۲: ۸؛ اول پادشاهان ۸: ۴۱-۴۳). مسیح حتی در خدمت خود، شامل شدن همه‌ی امت‌ها را تا زمان کامل شدن کارش به تأخیر انداخت (متی ۱۰: ۵؛ ۱۵: ۲۴). اگرچه نبوت وجود داشت، اما این شمول تکان‌دهنده بود؛ مانند سردرگمی

در اعمال رسولان در مورد غیریهودیان و ختنه (اعمال رسولان ۱۰-۱۱؛ ۱۵). این سردرگمی در کلیساهای غلطیه رخنه کرد، جایی که یهودیان از ختنه کردن به عنوان ابزاری دیگر که به وسیله‌ی آن فرد را فرزند ابراهیم می‌ساختند حمایت می‌کردند. اما ختنه با تعمید - علامت و مَهر یگانگی با مسیح جایگزین شده است (غلاطیان ۳: ۲۷). پس برای یگانگی با مسیح چه چیزی لازم است؟ چه چیزی ما را فرزند ابراهیم می‌کند؟ این قومیت (یهودی یا غیریهودی)، ختنه (مرد یا زن) یا موقعیت اجتماعی (آزاد یا برده) نیست. ایمان به تنهایی ما را به نسل ابراهیم پیوند می‌دهد (آیه‌ی ۱۶ و ۲۲) و ما را به پسر - خدا تبدیل می‌کند (آیه‌ی ۲۶). به موجب یگانگی خود با مسیح، ما مشترکاً در برکات مسیح شریک هستیم - بدون تمایز، بدون برتری، بدون مزیت نسبت به دیگری. اگر کسی بدون در نظر گرفتن جنسیت، طبقه، نژاد یا سن به مسیح ایمان داشته باشد، او - همراه با سایر مقدسین - در مسیح عیسی است و بنابراین مستحق تمام برکاتی است که آن یگانگی اعطا می‌کند.

یگانگی با مسیح در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، اگرچه تمایزات خاصی نیز وجود دارد. ایمان پیش از همه است، زیرا به تنهایی افراد را - صرف‌نظر از اینکه چقدر از نظر ظاهری متفاوت هستند - به عنوان مشترک «وارثان بر حسب وعده» (آیه‌ی ۲۹) با هم یگانه می‌کند. هر تمایز انسانی دیگری در این زندگی نسبتاً ناچیز است. بله، حتی تمایزات فرهنگی، هر چقدر هم زیبا باشند، در مقایسه با یگانگی که قوم خدا در آن سهیم هستند بی‌اهمیت است. پس باید نتیجه بگیریم مسیحیان که تقریباً در پیوستگی خارجی شباهتی با هم ندارند، از یک یگانگی برخوردارند که بی‌نهایت از هر یگانگی فرضی مبتنی بر چنین ویژگی‌های خارجی فراتر می‌رود.

تمایزات در کلیسا، تا زمانی که تفرقه‌انگیز نباشند مجاز هستند، درحالی‌که جانب‌داری به هر نوعی مجاز نیست. اجازه دادن به تمایزات برای برهم زدن معاشرت بین مسیحیان، بازسازی مانعی است که مسیح آن را فرو

ریخت. هنگامی که ما مسیحیان را بر اساس چیزهای بیرونی در نظر می‌گیریم، زمانی که به یکدیگر به حسب جسم نگاه می‌کنیم (دوم قرنتیان ۵: ۱۶)، مانع را دوباره می‌سازیم. باشد که این هرگز در مورد ما گفته نشود.

کشیش آرون ال. گاریوت، سردبیر مجله‌ی تیبل‌تاک، استادیار مقیم در ریفورمیشن بایبل کالج واقع در سنفورد، فلوریدا، و یکی از کشیشان کلیسای پرزبیتری در آمریکا (PCA) است.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.